

تغییر مسئولین حکمرانی از نمادهای حکومت خوب

در نظام دموکراسی هیچگاه کارگزاری حکمرانی ثابت نیست

اگر با این تئوری آشنا باشیم که تغییر جزوی از جوهره هستی است و هیچ پدیده ای از فراگرد تغییر جدا نمی باشد. پس بطور قطع و یقین باید قبول کنیم دو پدیده «انسان و جامعه» نیز از تغییر جدا نبوده و باید در قالب تغییر تعریف گردند.

با این تعریف، همانطور که جسم انسان در معرض تغییر قرار دارد، پس بیگمان ذهن انسان نیز در فراگرد تغییر می باشد و دو انسان همسان پیدا نمی کنیم. جامعه نیز چنین می باشد. همانطور که ذهن انسان تحول می یابد، پس محل زندگی و شیوه زندگی او نیز باید تابع تغییر تعریف شوند. یعنی اینکه هیچ ایستایی در مورد هیچ پدیده ای در هستی نداریم.

بنابر این تعریف بیگمان پدیده حکمرانی به عنوان یک اصل با اهمیت و اساسی در جامعه انسانی نیز باید در همین تعریف قرار گیرد. یعنی باوجود الزام تغییر، هیچ حکومتی نمی تواند ادعا داشته باشد که باید پیوسته وجود داشته باشد و تمامی مردم از این حکومت تبعیت کورانه نمایند. این تعریف شامل هر نوع حکومتی می گردد و حکومت پایدار و حاکمان دایمی نداریم. مگر آنکه حاکمان بخواهند زورگویی کنند و در قالب دیکتاتورسیم، حکومت خودشان را ماندگار نمایند.

حال چنانچه ضرورت تغییر را برای حکمرانی و نظام حکومتی یک اصل مسلم و بدیهی و براساس نظام هستی بدانیم، پس حاکمان و حکمرانان نیز باید عوض شدن خود را قبول کنند. یعنی همانطور که حاکم دایمی با یک نوع اندیشه سم مهلک و مابین اصل تغییرناپذیر در هستی است، ساختار حکمرانی ثابت و بدون تغییر نیز ناسازگار با نظام هستی می باشد. انواع مدل حکمرانی در طول تاریخ، دقیقا بیانگر لزوم همین تغییر در جامعه به عنوان جزیی از هستی می باشند.

آخرین قالب نظام حکمرانی در دنیای معاصر همان نظام دموکراسی نام دارد. دموکراسی نوین ترین مدل حکمرانی در تاریخ شمارش می گردد و ماهیت آن بر مردم محوری و مشارکت مردم در انتخاب حاکمان استوار دارد. دراصل دموکراسی به این مفهوم است که مردم در هر دوره، فرد یا گروهی را برای حکمرانی انتخاب می کنند و این افراد پس از مدتی کوتاه (معمولا بین ۴ تا ۶ سال) جای خود را به دیگران می دهند. این همان تغییر حکمرانی نام دارد. عده ای برنامه خود را معرفی و مردم به بهترین برنامه رای می دهند. و با سپری شدن دوران دولت، دولت بعدی با افراد جدید استقرار می یابد. یعنی همواره اندیشه و باورهای متنوع در جامعه جابجا گردند. دموکراسی همین معنا را دارد که همه مردم با هر نوع تفکر و سلیقه بتوانند تفکر و ذهنیات خود را برای مدیریت جامعه به بستر آزمون بسپارند. تغییر اجتماعی دقیقا همین تغییر مدل حکمرانی و تغییر شیوه زندگی است که همیشه بهترین مدل جاری باشد. تا ضمن رضایت مردم از انتخاب خود، جامعه نیز پیوسته در معرض تغییر و ارایه تفکرات و ذهنیات نوگرا باشد.

مفهوم دولت – ملت در نظام دموکراسی همین فرایند انتخابات و تعویض پیوسته حاکمان است. در این نظام رابطه بین مردم و حاکم یک رابطه وکیل و موکل بوده و دولت به عنوان نماینده انتخابی مردم، برای دوره

کوتاهی استقرار می یابد. تیمی با برنامه مشخص انتخاب و در دوره بعد تیمی دیگر با تنوعی از اندیشه جایگزین می شود. این رهیافت حکومتی و مدیریت نظام اجتماعی، بهترین و موجهترین مدل در عصر جاری شمارش می گردد. مدلی که تقریباً در همه جوامع اجرا می گردد.

اگر این مدل حکمرانی و شیوه انتخابات را دموکراسی بدانیم. پس هر مدل یا شیوه دیگر که مغایر این فراگرد باشد، مفهوم دموکراسی را ندارد. یعنی در هر مدلی از حکومت که افراد حکمران ثابت بمانند و تغییر نکنند، هرگز دموکراسی جاری نمی باشد. بلکه مفهومی قلب شده از دموکراسی بوده و مشارکت مردمی در انتخابات را لوٹ نموده است. زیرا مردم باید در انتخابات دوره به دوره، افرادی غیر از افراد پیشین را انتخاب کنند. نه آنکه افرادی حاکم باشند که هیچگاه جایگزین نداشته باشند و با مرگشان، تعویض انجام پذیرد.

پس بی تردید اگر کارگزاری حکومتی در هر نظام اجتماعی تغییرمدار نباشد، دموکراسی نبوده و مفهوم فرمانروایی زور را دارا است. مفهومی که از ساختار و تفکر قدیمی در تاریخ برداشت شده و با اندیشه معاصر و مفهوم دموکراسی امروزی سازگاری ندارد. حکومتی که با ماندگاری یک عقیده و افراد معین، یقیناً مباین اصل تغییر در نظام هستی می باشد. حکومتی که انتخاب واقعی مردم به عنوان مشارکت همگانی در آن جایی نداشته و حاکمان مستبد با تفکری جزم، خودشان را با زور و فشار بر جامعه تحمیل می نمایند.

احمد علینقی – پژوهشگر مدیریت اجتماعی